

ماہر ائمہ یاز کے درم ان ستم کلیہ ایم

کتاب سی و چہارم از جلد ہشت الاعمال النہیۃ الکاملہ

۱۹۹۰ م

گفتگوہا

نزار قبانی

مترجم: انسیہ سادات ہاشمی

- انگلستان را برای یک ساعت و نیم تصرف کردم. ۲۳۱
- من نزار قبانی هستم، نه کارلوس. ۲۵۱
- تومی نویسی پس رسوا هستی. ۲۵۷
- ترجیح دادم خنجر باشم. ۲۶۱

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

نزار قبانی به همان اندازه که دوست دارد، دشمن هم دارد. طبع روان و نوآور او دوست پرور است و روح سرکش و قانون‌ستیزش دشمن پرور! همین ویژگی، او را به شاعر ری جنجالی تبدیل و ذکر خیر و شرش را نقل محفل‌های شعر کرده است. تناقض‌های موجود در اشعارش ذهن هر خواننده‌ای را به تشویش می‌کشاند و گاهی توصیفات بسیار جزئی و ملموسش ناخودآگاه مخاطب را به سرک کشیدن در زندگی شخص او سرکش می‌کند. از طرفی حجم بالای آثار نزار در عین مشغله‌های کاری که چندین سال آن در مشاغل سیاسی گذشته است، خبر از نقش سیال شعر در زندگی او می‌دهد. در واقع او همینطور که زندگی می‌کند، شعر می‌گوید و به قول خودش زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، باید قبول کند که با او و شعر در یک خانه زندگی کند و شعر را هووی خود نداند!

روزنامه‌نگاران و نویسندگان زمان او، بسیاری از سوالات ذهن مخاطبان را از نزار پرسیدند و در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رساندند. نزار قبانی که خود پس از استعفا از کار دیپلماتیک انتشاراتی به اسم خود دایر کرده بود، این مصاحبه‌ها را علیرغم نفرتی که از این کار دارد، جمع می‌کند و به چاپ می‌رساند تا در برابر فضای رایج در نقد شعر بایستد و آن را از ورطه کلیشه نجات دهد.

«ماهرانه بازی کردم، این هم کلیدهایم» اسمی است که نزار قبانی برای مصاحبه‌هایش انتخاب می‌کند.

او وقتی می‌خواهد شاعران را با مبنای موفقیت شعری‌شان بسنجد، عرصه شعر را به یک میز بازی تشبیه می‌کند که هرکس به مقدار ورق‌های جدیدی که توانسته رو کند، برنده این بازی بوده است. او خود را در این عرصه بازیگر ماهری می‌داند و در عین حال از اینکه کلید موفقیتش را به دیگران تقدیم کند، ابایی ندارد. او در این مصاحبه‌ها به شگردهای شاعرانه و راز و رمز محبوبیت خود اشاره می‌کند. در پاسخ‌هایش گاهی به اندازه اشعارش، شاعرانگی به خرج می‌دهد. گاهی در پاسخ به سوالاتی که به او حمله‌ور می‌شوند، خنجر را از رو می‌بندد و باربانی برنده به نقد فضای موجود در شعر و جامعه می‌پردازد.

از آنجا که نزار قبانی در عین شاعر بودن، وکیل هم بوده است، در دفاع از خود و حتی در دفاع از مرز شکنی‌های ناخوشودنی شعرش، منطق و شاعرانگی را به هم می‌آمیزد و عقل و احساس مخاطبان را مسحور خویش می‌کند و پس از هر مصاحبه که گاهی به بازجویی تبدیل می‌شد، حکم را به نفع خود تغییر می‌دهد. از این رو این کتاب را با دو نگاه می‌توان خواند: نگاهی شاعرانه و نگاهی علمی و منطقی. در عین اینکه با نگاه شاعرانه می‌توان از شیرین‌زبانی و حاضر جوابی‌های او لذت برد، باید با عینک منطق، نسبت به مغلطه‌های شاعرانه او برای توجیه تابوشکنی‌هایش هوشیار بود.

اگر این کتاب را در ترازوی انصاف بگذاریم، کفه سودمند آن با اختلاف زیاد بر کفه قابل نقدش غالب خواهد شد و مخاطب را دست پر به سرزمین شعرش باز می‌گرداند و سطح دغدغه او را در شعر بالا خواهد برد.

انسیه سادات هاشمی